سلسله گفت وگوهای «ایران» درباره پدیده قاچاق فیلم ها

دکتر ابراهیم داروغه زاده مدیرعامل مؤسسه رسانه های تصویری:

فیلم ها را با کیفیت خوب به مردم می رسانیم

دکتر ابراهیم داروغه زاده پیش از این که مدیرعامل مؤسسه رسانه های تصویری معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد، از تهیه کنندگان صدا و سیما بود که برنامه مردم ایران سلام که هم اکنون از سیما پخش می شود را در کارنامه دارد. او هم اکنون یکی از اعضای شورای مبارزه با قاچاق فیلم معاونت سینمایی است . قاچاق فیلم بهانه ای شد تا با او درباره فعالیت های مؤسسه رسانه های تصویری نیز به بحث بنشینیم.

شورایی در معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شده است برای مبارزه با فیلم های قاچاق. به عنوان یکی از اعضای این شورا درباره دستاوردهای آن توضیحاتی می دهید؟

بحث کپی غیر مجاز فیلم های سینمایی چند بخش مجزا دارد که این بخش ها هریک آسیبی را به سینمای ایران و درنهایت همه آنها آسیبی جدی به تهیه کنندگان سینماگر ایران وارد می سازد. بخشی به زمانی مربوط می شد که اکران فیلم به پایان رسیده بود و رایت نمایش خانگی آن فروخته شده بود. اما چون کپی فیلم ها کمی طول می کشید و قیمت آثار ارائه شده زیاد بود ،مردم ترجیح می دادند که از کپی های غیر قانونی ارزان قیمت استفاده کنند. بنابراین هزینه ای را که می بایست مؤسسه ویدئویی به تهیه کنندگان پرداخت می کرد افت کرده وقیمت خرید پائین می آمد که این به ضرر تهیه کنندگان می شد.

امکان دارد با مثال رقمی بیان کنید؟

بله مؤسسه ها به طور مثال فیلم را از تهیه کننده به قیمت ۵۰ میلیون تومان خریداری می کردند که پس از کپی شدن غیر مجاز این رقم به ۱۰ میلیون تومان کاهش می یافت. در این بخش به طور مستقیم ما باید وارد عمل می شدیم. ابتدا فکر کردیم چه کنیم تا برگشت سرمایه برای تهیه کنندگان از طریق فروش رایت ویدئویی جدی تر باشد. ما می بایست سهم بیشتری از بازار را به دست می آوردیم. پس ما هم بنا بر وظیفه خود می بایست با این سی دی های قاچاق مبارزه می کردیم. بیشترین انرژی را بر قسمت ایجابی کار گذاشتیم. یعنی سعی کردیم فیلم ها را با تیراژ بالا و قیمتی که برای مصرف کننده قابل قبول باشد عرضه کنیم. از سوی دیگر با همکاری نیروی انتظامی با فروشگاه ها و افراد متخلف برخورد کردیم. نتیجه به اینجا رسید که در حوزه فیلم هایی که در زمان نمایش کپی نشده اند، ما برگشت سرمایه خوبی داریم. ما فیلم را با کیفیت عالی و مبلغ ۱۰۰۰ تومان به مصرف کننده می رسانیم که چندان تفاوتی با نرخ کپی های غیر مجاز ندارد. اگر ما بتوانیم در اقصی نقاط کشور این کار را انجام دهیم مصرف کننده نیز تمایل دارد که از نسخه های ما استفاده کند.

حاصل این کار امروز چه بوده است؟

فیلمی را که با مبلغ ۱۵ میلیون تومان از تهیه کننده خریداری می شد ما امروز کمتر از ۴۰ میلیون تومان خریداری نمی کنیم. پس بازگشت سرمایه در این قسمت کار به روال عادی خود بازگشته و ما موفق بوده ایم. اما قسمت دیگری وجود دارد و آنکه فیلم پیش از این که به دست ما برسد هنگام اکران در سینماها کپی می شود. مسؤولیت این بخش به شکل مستقیم به ما مربوط نمی شود. در این خصوص ستادی در معاونت سینمایی تشکیل شد که کل قضیه را پوشش دهد. تصمیم های خوبی در زمینه فرهنگی گرفته شده است. مردم ما متأسفانه چندان قائل به تمییز کپی اصل و بدل نیستند. در این زمینه فعالیت هایی شده است. همکاری خوبی با نیروی انتظامی داشته ایم که دوستان دائم با سرکشی به فروشگاه ها آنها را کنترل می کنند. اما مشکلی که هنوز به عنوان معضل اصلی باقی مانده خروج فیلم ها در هنگام اکران آنهاست. در زمینه خروج فیلم از لابراتوار تا رسیدن به سینماها و نمایش فیلم کارهای ایمن سازی لازم باید صورت بگیرد. برنامه هایی نیز در این راستا صورت گرفته است. فیلم ها قرار شده از همین مرحله لابراتوار کدگذاری شود تا در هر مرحله ای که فیلم به بازار قاچاق راه پیدا کرد بتوانیم آن را پیگیری کنیم. کارشناسی ما در این زمینه هم از منظر فنی سینمایی بوده و هم از منظر پلیس امنیت. مأموران خوب اداره آگاهی هم کمک هایی به ما کرده اند تا زمینه های خروج فیلم را شناسایی کنیم. بحث هایی نیز با شرکت های بیمه داشته ایم که این شرکت ها مسئولیت بیمه آثار سینمایی را بر عهده بگیرند. البته طبیعی است که بیمه در صورتی مسئولیت قبول می کند که ضریب اطمینان امنیت سازی نیز افزایش پیدا کند.

برنامه های کارشناسی ایمن سازی به چه صورتی بوده است؟

ما یک کار تحقیقاتی در همین مؤسسه رسانه های تصویری تعریف کرده ایم. سعی کرده ایم تحقیقات کامل باشد. این تحقیق تحویل ستاد داده خواهد شد تا مورد استفاده قرار گیرد. ما در این تحقیقات به این نتیجه رسیدیم که برای آگاه سازی مردم می بایست کار فرهنگی انجام دهیم. قرار دادی ۱۰۰ میلیونی با مؤسسه هور تنظیم کرده ایم تا ۱۰ انیمیشن برای هشدار به مردم بسازند و تلویزیون هم مسئولیت پخش آنها را بر عهده بگیرد تا بتوانیم مردم را نسبت به این امر مطلع کنیم. در همین پروژه تحقیقاتی بود که به بحث بیمه فیلم ها در برابر سرقت نیز رسیدیم. حاصل دیگر کار ما سفارش ساخت دستگاهی به متخصصین ایرانی است مبنی بر این که این دستگاه در سالن سینما نصب می شود و از امکان تصویربرداری از روی پرده جلوگیری می کند. این دستگاه به همت معاونت سینمایی وزارت ارشاد و اتحادیه تهیه کنندگان، در سالن های سینما نصب خواهد شد.

مؤسسه رسانه های تصویری متولی انتشار فیلم ها برای نمایش در دستگاه های خانگی است. برخی مخاطبان گله مند هستند که این اتفاق دیر می افتد و مدت ها از اکران فیلم می گذرد تا فیلم ها به دست مردم در تمام نقاط ایران برسد. آیا تمهیدی اندیشیده شده تا مردم زودتر بتوانند به نسخه خانگی فیلم ها دسترسی داشته باشند؟

این امر تنها به ما باز نمی گردد. دوستان پخش کننده فیلم و تهیه کنندگان نیز باید با ما همکاری های لازم را انجام دهند. البته اکنون دوستان پذیرفته اند که اگر فاصله نمایش در سینماها و منازل مردم کمتر شود به نفع آنهاست. اما هنوز برخی تهیه کننده ها اصرار دارند ما منتظر بمانیم اکران تهران به پایان برسد، نمایش در شهرستان ها نیز تمام شود و ما آخرین نفری باشیم که فیلم را دریافت می کنیم. هرچقدر این زمان طولانی تر شود خطر ورود فیلم به بازار قاچاق بیشتر می شود. زیرا در برخی شهرستان ها اصولاً مخاطب به سینما دسترسی ندارد و دوست دارد هرچه سریعتر فیلم ایرانی را ببیند. اگر به آمار مراجعه کنیم می بینیم سالن های سینما تنها ۵ درصد مخاطبان ما را جلب می کند و ۹۵ درصد باقیمانده دوست دارند فیلم ها را در خانه ها به تماشا بنشینند.

شاید در ذهن برخی از مخاطبان سؤال باشد که برای یک فیلم زمانی که به خانه هایشان می رسد چه اتفاقی رخ می دهد. آیا فیلم ها برای نمایش بازنگری دوباره می شود و یا با همان مجوز نمایش در سینماها از سوی شما توزیع می شود؟

در یک سال گذشته که همه فیلم ها به همان شکلی که در سینماها نمایش داشته اند به شبکه خانگی نیز راه یافته اند. ما مجوز خود را از اداره کل سمعی و بصری ارشاد می گیریم. آنها هم برای فیلمی که پروانه نمایش دارد بدون دخل و تصرفی پروانه صادر می کنند.

درباره عرضه آثار چطور؟ هم اکنون نحوه پخش چگونه است؟ فکر می کنم نسخه های VHS را از رده خارج کرده اید و CD جای آن را گرفته است. چه زمانی به DVD می رسیم؟

امسال جایگزینی رسمی VCD و بعد جایگزینی محدود DVD را در دستور کار داریم. از نظر امکانات ارزی هم به نفع ماست که از DVD استفاده کنیم. در زمینه قیمت ها هم سعی خواهیم کرد عدالت فرهنگی در حوزه ویدئو رخ دهد و از هر قشری بتوانند از این شکل عرضه استفاده کنند.

بحث DVD که مطرح می شود قضیه کمی فرق می کند. چون این شکل عرضه با خود الزاماتی را به همراه می آورد که از آنها می توان به الحاقات فیلم همانند پشت صحنه، مصاحبه با عوامل و... اشاره کرد. آیا DVD که شما عرضه می کنید چنین خصوصیاتی خواهد داشت؟

DVD در دنیا تعریفی استاندارد دارد. ما برای فیلم های ایرانی و کارهای شاخص خارجی به صورت استاندارد کار می کنیم. یک DVD استاندارد می بایست همراه با زیر نویس باشد که ما معمولاً از زبانهای انگلیسی، عربی و فرانسه به عنوان زیرنویس استفاده می کنیم. البته به دلیل هزینه بر بودن قضیه ما این کار را فعلاً برای فیلم های ایرانی انجام می دهیم و فیلم های شاخص خارجی. اما برای ارزان شدن قیمت برخی فیلم ها را نیز فقط شکلش را عوض می کنیم و آنها را دیجیتال می کنیم.

این الحاقات را چطور تهیه می کنید؟

پشت صحنه ها را از تهیه کننده همراه با فیلم می خریم و این جزو قرار داد خرید فیلم های سینمایی است. زیرنویس ها را هم خودمان تهیه می کنیم. فکر می کنم در ماه آینده ۶ فیلم ایرانی عرضه می شود که تمام این الحاقات را دارد.

برای شهرستانها چه فکری کرده اید؟

مؤسسه رسانه های تصویری در هر استان نمایندگی دارد. فکر می کنم که در تمامی استان های ما امکان دسترسی به دستگاه های پخش دیجیتال وجود داشته باشد. در زمینه توزیع هم اتفاقاً باید بگویم که ما ابتدا توزیع شهرستان ها را کامل می کنیم و بعد به تهران می آییم.

به بحث قاچاق بازگردیم. شما چه تمهیداتی را با فروشگاههای عرضه محصولات فرهنگی در نظر گرفته اید که به عرضه آثار غیر قانونی می پردازند؟

با آنها هم طبق قانون رفتار خواهد شد. قانون پیشین نواقصی داشت که این قانون با همکاری مجلس شورای اسلامی اصلاح شده است. این قانون از لغو مجوز شروع می شود و تا جریمه نقدی ادامه پیدا می کند. هم اکنون نمایندگان ما در اداره کل ارشاد استان ها این افراد خاطی را به ما معرفی می کنند و ما با هماهنگی نیروی انتظامی با آنها برخورد می کنیم.

شما در صحبت هایتان به فرهنگ سازی اشاره کردید. مؤسسه رسانه های تصویری برای این کار چه تمهیداتی را برگزیده است ؟

آنونس هایی را تدارک دیده ایم که در ابتدای فیلم های مؤسسه پخش می شوند. فیلم کوتاهی از هنرمندان سینمای ایران با همکاری خانه سینما تهیه شده که در ابتدای فیلم ها گنجانده شده است. به انیمیشن هایی هم که سفارش داده ایم اشاره کردم که این انیمیشن در فیلم ها، تلویزیون و سینما پخش خواهد شد. فکر می کنم مهمترین رسانه ای که می تواند روی آگاه سازی مردم نقش داشته باشد صدا و سیما است. این رسانه می تواند با ساختن برنامه های مختلف هنری و اجتماعی و .... به آگاه سازی مردم بپردازد. از طرفی این رسانه می تواند با تبلیغ فیلم های سینمایی به رونق هرچه بیشتر سینماها کمک کند. ما انتظار داریم صدا و سیما در انجام برخی کارهای فرهنگی خود پیشقدم باشد.

عکس: علی حسن پور

وقتی خرید و فروش عادت می شود

✓گزارشی از بازار فیلم قاچاق

حسن کوهرپور

خودش می گوید: دانشجوی سینما بوده ام، اما نمی دانم چرا سی دی می فروشد. البته چند سؤال از سینماگرهای مختلف از او می پرسم وخیلی خوب، با صبر و حوصله و البته تحلیلی پاسخم را می دهد، کمی شک می کنم که این آدم با این اطلاعات چرا کنار خیابان سی دی می فروشد، می گوید : عشق سیـ نما هستم، حاضرم هر کـ اری برای سینما بکنم، این چند روز نخستین دستفروشی بود که دیدم سی دی های قاچاق ندارد. او می گوید : من اصلاً فیلم ایرانی نمی آورم. می خواهد روی پرده سینما باشد یا نه! ما خیلی دلم به حال تهیه کنندگان این فیلم ها می سوزد، آن ها تمام دارایی شان را از دست می دهند. توی حرفش می پرم و می گویم این همه سی دی فروش این اطراف چه کار می کنند این ها قبلاً هم بوده اند یا همین یکی دوماه سر و کله شان پیدا شده؟

با اشاره و خیلی محترمانه یکی از آن ها را که جلوی در مترو ایستاده نشان می دهد و می گوید: این را می بینی؟ سرم را به علامت تأیید تکان می دهم!

می گوید کارگر ساختمانی است. این را خودش به دوستانش می گفت. اما حالا چند روزی است می آید جلوی در مترو می ایستد و سی دی می فروشد. فقط هم ایرانی، همین هایی که الآن روی پرده اند، آخر انصاف هم خوب چیزی است، این ها دارند توی آتش سینما هیزم می ریزند. این را که می گوید می فهمم با این که خودش دستفروش است، اما اهالی سینما و زحمات تولید فیلم را می داند. بعد شروع می کند برایم از شرایط تولید فیلم حرف می زند. این اطلاعات را از دوستانی دارد که اکنون فارغ التحصیل شده اند و گاه گاهی به او سر می زنند. در همین هنگام مردی که جلوی مترو سی دی می فروشد می گوید: فیلم... این فیلم توقیف شده است. به سمتش می روم تا بدانم چرا فیلم توقیف شده و چطور این آدم از من اطلاعاتش درباره فیلم دقیق تر است! تازه متوجه می شوم که طرف دارد ترفندهای جدید تبلیغی می زند! در واقع حالا که شهر شلوغ است او هم می خواهد به اطرافیانش رکب بزند، اگر گرفت که گرفته اگر هم نه، او چیزی را از دست نداده است. می پرسم فیلم «اخراجی ها» را دارید، می گوید: نه داداش اخراجی ها رفت پشت خشت! فیلم های جدید اومده به بازار، هنوز شما از قافله عقب هستید، اگر اخراجی ها می خواهید بروید پیش آن «شازده پسر»! و با سر همان دست فروش عشق سینما را نشان می دهد. می گویم: آن شازده پسر فیلم ایرانی نداره، تو حرفم می پره و می گه: «فیلمشه، داره ولی رو نمی کنه» بهش گفتم آقا این سی دی ها رو از کجا می آرین؟ عصبانی شد و گفت: داداش جلو کاسبی ما رو نگیر، خداحافظ! این را که شنیدم چند متر پائین تر رفتم و با موتورسواری روبه رو شدم که ساکی روی زین موتورش گذاشته بود و توی آن پر بود سی دی. سلام کردم و با بی محلی جوابم را داد. گفتم: آقا «اخراجی ها» دارید؟ گفت: من خرده فروش نیستم!! تعجب کردم! گفتم، ها! خرده فروش دیگه چیه؟ گفت: اون هایی که می بینید جلوی مترو ایستادن از من می خرن، من کلی فروشم، نمی یام اینجا خودمو علاف کنم برای تک فروشی، تازه دردسرشم زیاده به یه شب بازداشت بودن نمی ارزه! پرسیدم که شب؟ جواب نداد. پیش پسر عشق سینما برگشتم پرسید : اون موتوریه کارت داشت؟ گفتم: نه، من چند تا سؤال می خواستم ازش بپرسم. گفت: واقعاً تو سی دی می خوای؟ رفقارت به آدم خریدار نمی خوره. اونا اگر بخوان بخرن، سریع می خرن و می رن، اما تو هی این جا رو متر می کنی! گفتم: نه، دنبال جنس خوب می گردم! هر دو خندیدیم بعد گفت: « این پسر موتوریه راننده این ها نمی دانم، یا رئیس این ها. این ها وقتی فیلم هایشان تمام می شود از او می گیرند و وقتی هم که احساس خطر می کنند با او فرار می کنند. به هر حال ها هم همکارند حالا کدام رئیس است کدام یادو نمی دانم». از او خدحافظی می کنم و سوار مترو می شوم. آخرین ایستگاه که البته از مناطق بالای شهر تهران هم هست پیاده می شوم. بیرون در محوطه ای باز دونفر روی یک کارتن مؤز چند فیلم گذاشته اند «سنگ، کاغذ، قیچی»، «میهمان»، «اخراجی ها»، «پارک وی» «اگه میتونی منو بگیر» که پوستر این فیلم ها هم روی سی دی خیلی شکیل گذاشته شده است. از هر کدام یکی یک عدد می خرم تا فروشنده حاضر شود با من حرف بزند! می گویم پوسترها و عکس های این فیلم ها را چگونه با این تعداد زیاد روی فیلم ها می گذارید؟ می گوید من نمی دانم، خب می ذاریم دیگه، دوستش می گوید برایمان می آورند، تازه الآن پوسترهای فیلم هم آمده است تعجب می کنم! چطور؟ می گوید: برای ما فله ای با موتور می آورند ما هم کارگریم و دلمان نمی خواهد از این کارها بکنیم! می گویم: مگر کار بدی می کنید؟ جواب می دهد: نه اما در شأن ما نیست سی دی بفروشیم، ما کارگریم اگر کار باشد می رویم کارگری! می دانم که دارند بهانه می آورند اما دلم می خواهد اطلاعات دیگری از آنها بگیرم. می پرسم می دانید کار شما نوعی دزدی است، یکی شان عصبانی می شود و می گوید: مرد حسابی از دیوار مردم که بالا نرفته ایم، داریم فیلم می فروشیم، همه می فروشند، ما هم می فروشیم، اصلاً تو چه کاره ای؟ مفتشی!؟ می گویم: نه خبرنگارم. باورش نمی شود، مثل این که توقعی که از خبرنگار دارد حتماً قیافه ای دیگر است! برای من هم بهتر است که این حرفم را شوخی بگیرد. می گویم : ان شاءالله مسلمان که هستید؟ یکی شان می گوید : پس چی حالا می خوای اصول دین بپرسی، سی دی تو خریدی برو دیگه، می خوایم کاسبی کنیم ، خوش آمدی خدا روزی تو جای دیگه حواله کنه.

چون قضیه دارد خطرناک می شود، بی خیال مسأله می شوم و به سمت خیابان می روم. یک ساعت و نیم دیگر که کارم تمام شده است دوباره از همان مسیر به سوی مترو برمی گردم و می بینم هنوز آقایان دارند کاسبی می کنند. تعجب می کنم شهرداری و نیروی انتظامی قرار بود تمام این سی دی فروش ها را جمع کند ولی تا به حال که انگار اقدام عاجلی، چندان اتفاق نیفتاده است. به سمت «انقلاب» می روم انقلاب جایی است که هرکالای فرهنگی مجاز یا غیرمجاز یافت می شود. پسری با کوله پشتی فیلم می فروشد. چندسرباز هم، همان اطراف ایستاده اند، از روی کنجکاوی و تهیه همین گزارش به سراغ شان می روم. سر کار بخشید شما با این افرادی که سی دی می فروشند برخورد نمی کنید، با خنده می گوید: آقا مگر چکار کردن، دزدی که نکردن، دارن کار حلال می کنن، کسب و کارشونم حلاله، مگه مشکلی هست نکنه خودت هم می فروشی می خواهی زیرآب دیگران را بزنی!؟

درواقع قصد من زیرآب زدن نبود. شاید هم این سربازها وظیفه جمع آوری CD فروشان را نداشتند یا شاید درمأموریت دیگری بودند. «سینما را به خانه های شما می آوریم»، «نقاب» در خانه های شما. این تبلیغ جدید یکی از دستفروش هاست. درباره فیلم نقاب از او سؤال می کنم و می گویم: آقا نسخه اصلیه؟ یه نسخه اصلی سانسور نشده! وبعد این جمله را به تبلیغ اول اضافه می کند، ومثل آگهی بازرگانی پشت سر هم آن را تکرار می کند. او معتقد است دارد به سینمای ایران و کارگران ها خدمت می کند! می گوید: کی این کارگران ها را می شناسد، ما داریم آن ها را معروف می کنیم تازه باید به پولی هم به ما بدن! از همین جا متوجه می شوم که طرف به کل از قضیه پرته! او می گوید ما باعث شده ایم مردم دوباره با سینما آشتی کنن، چون همزمان با سینما، ما فیلم را با قیمت نیم بها به نسبت بلیت سینما در اختیار آنها قرار می دهیم و راحت وقتی از سر کار، به خانه می روند، در کنار خانواده و دسته جمعی فیلم را می بینند.

به این مسأله فکر می کنم که مردم انگار فراموش کرده اند که سینما رفتن جدای از تأثیرات اندیشه ای و هنری که دارد شکلی از تفریح کردن است. یعنی شما تصمیم می گیرید که یک روز به همراه خانواده به سینما بروید. قبل از رفتن آماده می شوید با همراهانتان درباره فیلم حرف می زنید و بعد وارد سینما می شوید، سپس وقتی بیرون آمدید نظرتان را درباره فیلم می دهید، این شکلی از تفریح کردن است، اما برخی این تفریح را نمی شناسند و با این گونه کارها آشنا نیستند. روز بعد دوباره این کار را شروع می کنم، این دفعه قصد دارم به قسمت شرقی شهر بروم؛ تهرانپارس، از اتوبوس پیاده می شوم. همین طور که دارم خیابان ها را طی می کنم، روی شیشه یک مغازه نوشته «سی دی های جدید فیلم موجوداست» به داخل مغازه می روم به ظاهر مغازه صوتی تصویری است که دیگر به تعمیر می پردازد. شاید هم فیلم می فروشد. خلاصه این که نمی شود درست و دقیق تشخیص داد چه کاری داخل این مغازه انجام می دهد. پسری داخل مغازه نشسته از او می پرسم فیلم های تان کدام است؟ با عجله جلو می آید و برجسب را از پشت شیشه می کند. تعجب می کنم! می پرسم آقا چی شد، چرا برجسب را می کنی؟ جواب می دهد بابا ما که ویدئو کلوپ نیستیم. دیروز هم یک عده اومدن آخر وقت حال ما رو گرفتن، حالا هم به سلامت داداش ما دنبال دردسر نیستیم. چندمتر بالاتر کنار خیابان بساط فرهنگی یک آقا پهن است.

فیلم و کتاب. آقا فیلم تازه چی داری؟ چی می خواهی؟ فیلم هایی که روی پرده اند، «روز سوم» را دارید؟ نه هنوز برامون نیومده! اما سربزن تا چندروز دیگه می یاد؟ ببخشید از کجا می یاد؟ رفیقامون میارن ما هم می ریم ازشون می گیریم! آقا این فیلم ها کیفیت داره یا از رو پرده گرفته شده؟ نه آقا کیفیت آینه، آینه می، اگه نبود برام بیار عوض کنم! (عجب کاسب منصفی) می گویم: آقا شنیده ام مراجع تقلید خریدن این فیلم ها را حرام دانسته اند؟ آنقدر متعجب می شود که انگار خبر فوت یکی از نزدیکانش را به او داده ای البته این همراه با اضطراب هم هست! می گوید: چرا؟ آقا ما که دزدی نمی کنیم، قربون مراجع برم، اونا هم خودشون می دونن که ما از روی ناچاری این کار رو می کنیم! تازه این فیلم ها که خلاف شرع نیستند، دادگستری!! به آن ها مجوز داده است اگر مشکل شرعی داشت که آنها بیشتر ازما می دانستند حتماً جلوی فیلم را می گرفتند! می گویم: برادر من! مسأله مشکل شرعی یا خلاف شرع نیست، مسأله این است که سرمایه یک سری آدم دارد به باد فنا می رود. این فیلم مثل کالای یک شرکت است و باید به فروش برسد، حالا یک عده آمده اند و این کالا را بدون اجازه صاحبش دارند می فروشند، آیا این دزدی نیست؟ مرد زیربار نمی رود و هی تلاش می کند کارش را از خلاف شرع بودن و دزدی بودن درآورد. خوب آقا همه می فروشن، ما هم می فروشیم، اگر هیچ کس نفروشه ما هم نمی فروشیم! می گویم: خلاصه اگر آمدند گرفتنت یادت باشد یک نفر قبل از این اتفاق به تو خبر داد که شاید دچار دردسر بشوی!

اگرچه با بی اعتنایی مرد مواجه می شوم اما به راهم ادامه می دهم. راستی اگر مردم بدانند که با خریدن این سی دی ها و بردن آنها به خانه و تماشایشان با خانواده فعل حرام مرتکب شده اند، آیا باز هم این کار را انجام می دهند؟

مراجع عظام فیلم هایی را که بدون اجازه صاحب آن کپی و در بازار خرید و فروش می شود دزدی و حرام دانسته اند، حالا حساب کنید ببینید چند تا بلیت سینما از آن فیلم باید بگیرید و پاره کنید تا حساب تان باصاحب مال صاف شود؟